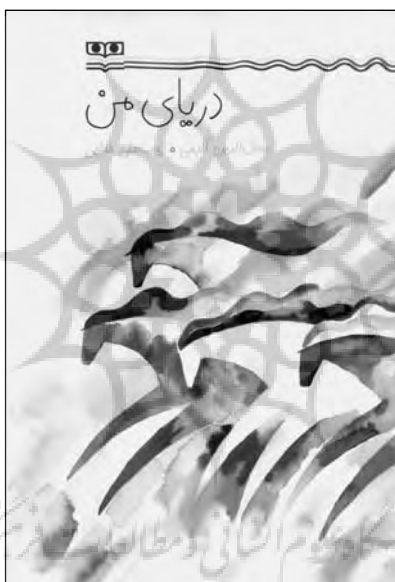


دوباره به طبیعت نگاه کن!

o انسیه موسویان



عنوان کتاب: دریای من
 سراینده: جمال الدین اکرمی
 تصویرگر: رجب علی خدایی
 ناشر: شباویز
 نوبت چاپ: دی ماه ۱۳۸۳
 چاپ: اول
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۲۴ صفحه
 بها: ۶۰۰ تومان

شاعران کودک و نوجوان بوده و دستمایه سرودن آثار زیبایی برای این طیف شده است. فصل‌ها و تغییرات آن، ماه و ستاره و خورشید، شب و روز، باران و باد و برف، درخت و جنگل و دریا، همگی در آثار شاعران بارها توصیف شده‌اند. کودکان به سبب طبع لطیف و روح بکر و زلالی که دارند، به طبیعت بسیار نزدیک هستند و شاید به همین دلیل، از خواندن آثاری در این حال و هوا، لذت می‌برند.

جمال الدین اکرمی، در کتاب «دریای من»، دنباله‌رو نگاه دیگر شاعران در این عرصه نبوده است. نگاه او به طبیعت، نگاهی خلاق و نوست. او به هر پدیده‌ای از زاویه‌ای تازه نگاه می‌کند و جلوه‌های ناشناخته‌ای از آن را به مخاطب نشان

مثل ماهی می‌خزم
 روی بال موج‌ها
 (صفحات ۳ و ۲)
 در کتاب «دریای من» شعر می‌خوانیم. وقتی کتاب را باز می‌کنیم و ورق می‌زنیم، برای لحظاتی از این دنیای پر دود و دماشینی فاصله می‌گیریم و گویی دل و روح‌مان از دیدن تابلوهای بکر طبیعی، زنده می‌شود و جان می‌گیرد.

شعرهای این مجموعه، همگی به نوعی در حال و هوای طبیعت سروده شده‌اند. توصیف پدیده‌های طبیعی و جلوه‌های آن، به عنوان مظاهر زیبایی از آفرینش پروردگار، از جمله موضوع‌هایی است که همیشه مورد توجه

«دریای من»، با تصاویر خیال‌انگیز و رنگ‌های شاد و شفاف، در همان نگاه اول، هر مخاطبی را به سوی خود فرا می‌خواند تا در گرمای یک روز داغ تابستانی، تن را به امواج خنک این دریا بسپارد و یا لااقل لحظه‌ای چند در ساحل دلنشین آن به تماشای صدف‌ها و موج‌ها بنشیند:

باز می‌خواند مرا
 بوی جنگل، بوی آب
 بوی دریای قشنگ
 زیر نور آفتاب

*

می‌سپارم تن بر آب
 می‌روم تا او ج‌ها

●

شاعر یا نویسنده‌ای که
برای کودک می‌نویسد،
باید با دایره‌واژگانی کودک
در هر محدوده‌سنی آشنا باشد
و این نکته مهم را
در سرودن مدنظر قرار دهد.
در کنار توجه به این مسئله
او باید گستردگی واژگانی را نیز
در شعرش لحاظ کند.
شاعر کودک،
زمانی موفق خواهد بود
که بتواند با مهارت،
واژه‌ها و ترکیبات تازه‌ای
در شعر بیاورد؛
به‌گونه‌ای که، هم کودک را
در فهم معنا دچار مشکل نکند
و هم بر دایره‌واژگانی او
بیفزاید

●

می‌دهد.
شاعر برای توصیف، بیشترین استفاده را از
هنر تشخیص کرده است. همین جان‌دار پنداری
در شعرها، به پدیده‌ها، روح و تحرک خاصی
بخشیده است و باعث می‌شود مخاطب، زندگی
و تپش آن را در سراسر شعرها و ابیات احساس
کند.
وقتی شاعر می‌گوید:
قایقی آن دورتر
می‌رود با بادبان
باد نرم صبحگاه
می‌کشد دستی بر آن

(صفحه ۳)

انگار باد، دیگر همان باد عادی نیست که
قایق را هدایت می‌کند. باد، انسان مهربانی
است که روی بادبان قایق دست می‌کشد.
حقیقتاً خواننده شعر، وزش باد نرم صبحگاه را
روی پوستش احساس می‌کند.
و یا تصویر شب را که در آثار بسیاری از
شاعران دیده‌ایم. در این جا با تصویری ثابت و
کلیشه‌ای از شب مواجه نیستیم. شاعر، جلوه-
هایی از شب را برای مخاطب به تصویر می‌کشد
که کم‌تر دیده و یا نسبت به آن بی‌توجه بوده
است:

ناگهان از دل کوه
باد آمد هوهو
جنگل از خواب پرید

نگران شد آهو
*
غوک در آب پرید
ماه لرزید بر آب
شب پره‌آه‌کشان
پشت گل رفت به خواب
(صفحه ۸)

گاهی نیز شب، زنی است که از پشت قله-
های کوه می‌رسد:
باز شب از قله‌های سرد کوه
دامنش را می‌تکاند توی ده
باز باران ستاره نم نمک
می‌خورد بر شیشه‌های پنجره
(صفحه ۱۰)

سپری شدن شب و فرا رسیدن روز را نیز شاعر با تصویری نو و بدیع بیان می‌کند:
آمد به روی بام، خورشید
درکوپه‌هاگرد طلا ریخت
کندوی زنبوران خود را
برشاخه‌های روز آویخت

(صفحه ۱۶)

مجموعه «دریای من»، به لحاظ دارا بودن صورت‌های خیال، غنی و سرشار است و همان‌گونه که در آغاز اشاره شد. بیشترین استفاده را شاعر از صنعت تشخیص کرده است؛ گویی حرکت در ذات شعرهای این مجموعه وجود

دارد.

دربرخی ابیات، به تشبیهات زیبایی برمی‌خوریم. از آن جمله تشبیه «قطار» به نیلوفر در این بند:

قطار آهسته چون نیلوفری سبز
به پای کوه‌ها، پیچید و پیچید
صدایش را ته دره رها کرد
و دودش در میان باد رقصید

(صفحه ۴)

و یا تشبیه «ماه» به قایق در این بند:
بیا ببین که دریا
در دل شب چه زیباست

قایق ماه تابان
سوار موج دریاست

(صفحه ۴)

در این ابیات نیز تشبیه زیبایی به چشم می‌خورد:

شب بود و هر بار
گیسوی نیزار

بر آب‌های روشن مرداب می‌خورد

(صفحه ۱۹)

به نظر می‌رسد گاه برخی از تصاویر خیال‌انگیز، با وجود زیبایی‌شان، برای گروه سنی «ب» و «ج» اندکی سنگین باشد. مانند استفاده شاعر از «حس آمیزی» در بیت دوم این بند:

باد سرد شامگهان نرم‌نرم
کوچه‌ها را باز جارو می‌کشد
کُره اسبی توی آغل روی گاه
نور سرد ماه را بو می‌کشد

(صفحه ۱۰)

اما در شعر «مادر»، خلاف سایر شعرهای این مجموعه، گویی شاعر حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد. او در توصیف «مادر»، مانند ده‌ها شاعر دیگر، از همان تصاویر کلیشه‌ای و تکراری استفاده کرده است:

یک آسمان ستاره
در سینه‌داری
در قلب خود هزاران
آینه‌داری

*

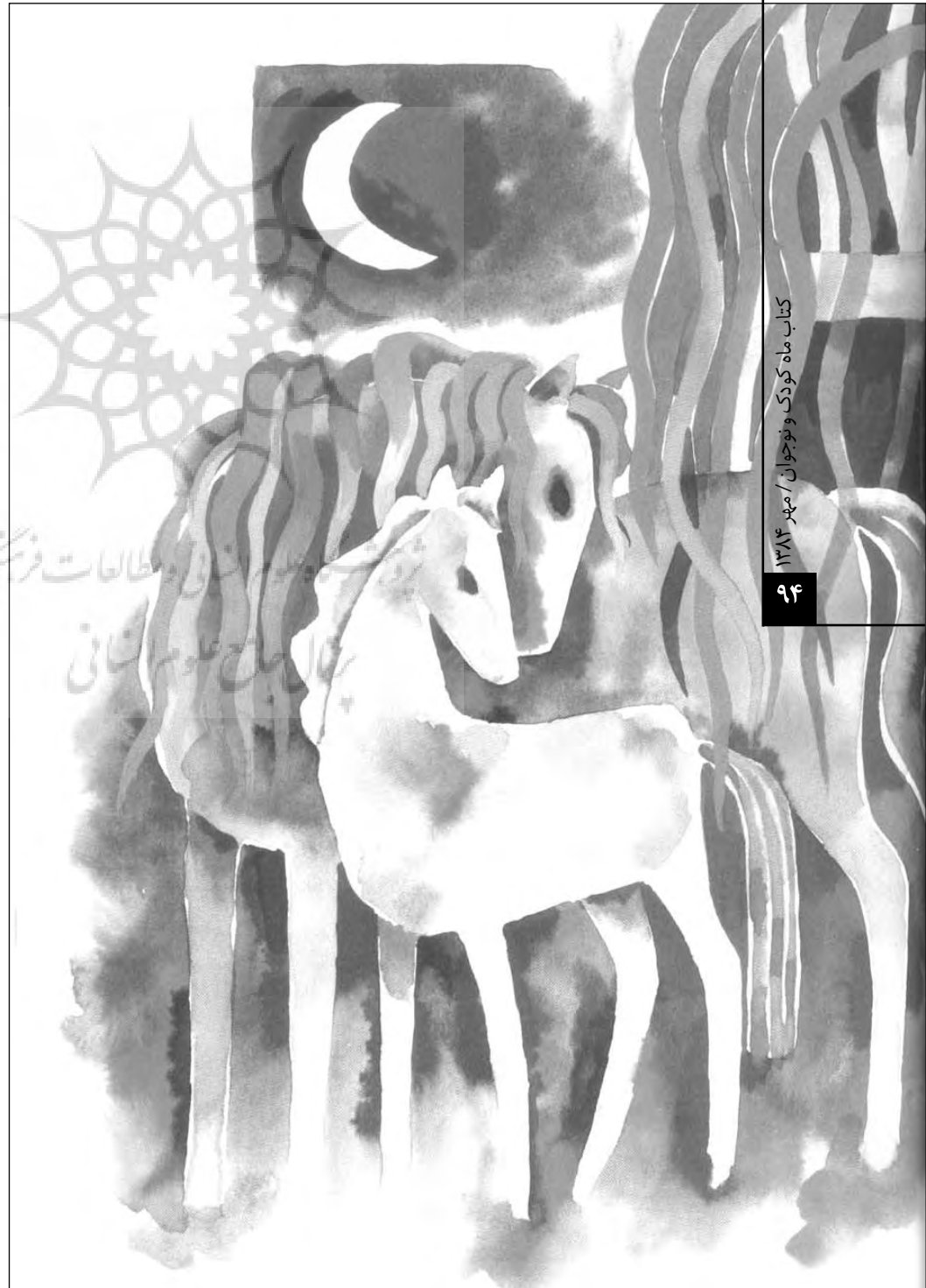
روییده بر لبانت
آواز بلبل
می‌بارد از نگاهت
بارانی از گل

*

مادر تو آسمانی
پرنور هستی
مانند آفتابی
پرشور هستی

(صفحه ۶)

شعرهای کتاب «دریای من»، همگی در قالب چارپاره سروده شده‌اند، به جز شعر «شب و



مہتاب» کہ در آن، شاعر از قابلیت و ظرفیت گسترده قالب نیمایی استفاده کرده است.

کاربرد مناسب قافیہ و کوتاه و بلند شدن منظم مصراع‌ها، به این شعر زیبایی خاصی بخشیده است:

شب بود و مہتاب
چون کرم شب تاب
در آسمان بی نہایت می خرامید

*

صدہا ستارہ
تابی کنارہ
در کھکشان راہ شیری می درخشید

*

شب بود و دریا
آرام و زیبا
آن ماسہ‌های ساحلی را رنگ می زد

*

باد شبانگاہ
در ہر گذرگاہ
بر شاخہٴ سرد درختان چنگ می زد...

(صفحة ۱۹)

نکتہ‌ای کہ در مورد اشعار این مجموعہ باید بدان اشارہ کرد، فرہنگ واژگانی شاعر است. کودک در ہر دورہٴ سنی، فرہنگ لغات خاصی دارد و با کلمات مشخصی آشناست.

شاعر یا نویسندہ‌ای کہ برای کودک می‌نویسد، باید با دایرہٴ واژگانی کودک در ہر محدودہٴ سنی آشنا باشد و این نکتہٴ مہم را در سرودن مدنظر قرار دہد. در کنار توجہ بہ این مسئلہ او باید گستردگی واژگانی را نیز در شعرش لحاظ کند. شاعر کودک، زمانی موفق خواہد بود کہ بتواند با مہارت، واژہ‌ها و ترکیبات تازہ‌ای در شعر بیاورد؛ بہ گونه‌ای کہ، ہم کودک را در فہم معنا دچار مشکل نکنند و ہم بر دایرہٴ واژگانی او بیفزاید.

مرورری بر شعرهای منتشر شده برای کودکان در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد کہ دایرہٴ واژگانی اغلب شاعران محدود است. بہ قول دوستی: امروز ہر کتاب شعر کودک را کہ باز می‌کنیم، از لا بہ لای برگ‌های آن، یک عالم پروانہ، شاپرک، پنجرہ، شکوفہ و ... بیرون می‌ریزد!

اما فرہنگ واژگانی جمال الدین اکرمی،

در کتاب «دریای من»، محدود نیست و او با جسارت کلماتی تازہ را وارد شعرهایش کردہ است. حال بہ چند نمونہ از کاربرد مثبت واژہ‌های تازہ، در شعرهای این مجموعہ اشارہ می‌کنیم.

کلمات «تونل – سوزن بان و سکو» کہ شاید در نگاہ اول غیر شاعرانہ بہ نظر برسند، در این ابیات خوش نشسته‌اند.

کنار صخرہ، سوزن بان عاشق
چراغش را برای او تکان داد
تونل در انتہای درہ‌ای تنگ

شاعر برای توصیف،

بیشترین استفاده را

از ہنر تشخیص کردہ است.

ہمین جان دار پنداری در شعرها،

بہ پدیدہ‌ها، روح و تحرک خاصی

بخشیدہ است

و باعث می‌شود مخاطب،

زندگی و تپش آن را

در سراسر شعرها و ابیات

احساس کند

دہان تیرہٴ خود را نشان داد
(صفحة ۴)

در آن سوی افق، شہر کویری
بہ شوق دیدنش، آغوش وا کرد
قطار آمد کنار خط سکو
و سوتش شاپرک‌ها را صدا کرد
(صفحة ۴)

ہم‌چنین، بہ کاربرد کلمات «فاختہ، دشتیان، کج بیل، آغل، غوک، جلگہ، گون و ارابہ در این ابیات توجہ کنید:

باد سرد شامگاہان نرم نرم
کوچہ‌ها را باز جارو می کشد
کرہ اسبی توی آغل روی کاہ
نور سرد ماہ را بو می کشد
(صفحة ۱۰)

ماہ در آیینہٴ زیبای رود
دست و رو می شوید آن جازیر بید
غوکی از لای گون‌ها می پرد
می شود در آب برکہ ناپدید

*

دشتیان، فانوس را آویختہ
روی کج بیلی کنار آب نہر
کورہ راہی از میان جلگہ‌ها
می برد ارابہ‌ای را سوی شہر

*

باز می خواند میان شاخہ‌ها
قصہٴ تنہایی اش را فاختہ
ہم‌چنان شب از فراز درہ‌ها
دامنش را روی درہ انداختہ

(صفحة ۱۰)

واژہ‌های فوق در عین لطافت، حال و ہوایی روستایی و بومی بہ فضای شعر بخشیدہ‌اند و برای کودک تازگی دارند. چہ بسا ممکن است برای اولین بار در این کتاب با آنها روبرو شدہ باشد. او می‌تواند با پرسیدن، مفہوم آنها را درک کند و بہ گنجینہٴ لغات خود بیفزاید.

در مجموع، سرودہ‌های جمال الدین اکرمی در کتاب «دریای من» نشان می‌دهد کہ شاعر مخاطب را جدی گرفتہ و بہ شعور فہم او احترام گذاشتہ است.

